

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لمبه
۱۹.۰۱.۱۰

شبانہ های من (۹)

در میان دود غلیظ و سیاهی که آسمان کابل ما را اندوهگینتر می کند، صدایی به جاودانگی پیوسته است؛ صدایی
کودکانه ای که تا دیروز در نخستین شعاع بامدادی کابل فریاد می زد:
پلاستیک، پلاستیک بخريد، خوبش اس، دانه دو افغانی... و چند لحظه بعد این صدا در میان شلیک گلوله ها و
انفجار تا آسمان رفت و با زندگی پردرد کابلستان پیرو گفت. رفت تا در میان شبانه های من اتراق کند و....
و اینک مادرش، مانند صدها مادر دیگر آن ترنم کودکانه را در بغضش می کارد و من در میان این همه بغض
نفرتی را می بینم که او فریادش می کند:
نفرت از اسلام سیاسی و ارتجاع مذهبی، نفرت از استبداد و نفرت از استعمار امپراتوری جهانی.
و اینک پدرش، دانه دانه اشک بر گونه های پیرانه اش می ریزد و من در زلالترین قطره های لغزیده چشم هایش،
لعنتی را می بینم که او فریادش می کند:
لعنت بر "مبارزه علیه تروریسم"، لعنت بر "دموکراسی اهدایی"، لعنت بر حنجره ای که الله اکبر گویان می کشد،
لعنت... لعنت...
و اینک صدای رشاد – پنجشیری، لغمانی، بامیانی، کندهاری، بلخی، کنری- به جاودانگی پیوسته است. زمستان
کرخت نگذاشت تا یازدهمین بهار را در کنار خیل دوستانش فریاد بزند:
پلاستیک، کاکا جان، پلاستیک، خوبش اس، دانه دو افغانی...
اما، امشب رشاد دیگری در بستر سرد خوابیده است تا فردا در گرگ و میش، با صدایش کابلستان را بیدار کند:
کاکا جان، خاله جان، پلاستیک.
و باز بغضی در گلو خواهد ترکید و دردی در شبانه من اتراق خواهد کرد. زیرا این سرزمین دیگر مال ما نیست،
مال رشاد و رشاد ها نیست، اینجا چکمه پوش های امپراتوری کیش و مات می دهند و تسبیح داران سبز، الله اکبر
گویان مهره های مست این بازی اند و حنجره های پارلمانی، کارشناسی، فرهنگی؛ همه و همه حریصانه گند
"دوستان جهانی" شان را می بلعند و شکر خداوندی به جا می آورند.

اما او – رشاد ما- در سکوتی که سرشار از ناگفتنی هاست، با شبانه من فریاد می زند:
"بگذارید این وطن، دوباره وطن شود.
بگذارید سرزمین بزرگ و پر توان عشق شود."

و...

تا یک شبانه دیگر.